

# درسی شانزدهم

## پرواز قطره



خورشید وسط آسمان بود و از بالا به دریای آبی نگاه می کرد. ناگهان آب دریا موجی زد و قطره های آب به اطراف پراکنده شدند. خورشید قطره ی آبی را دید که خیلی ناراحت است. از او پرسید:

«چرا این قدر ناراحتی؟»

قطره گفت: «دلم می خواهد مثل چند روز پیش، به شکل ابر دربیایم.»

خورشید گفت: «چه شد که به دریا آمدید؟»

او گفت: «ما اول ابر بودیم. یک روز داشتیم با دوستانمان بازی می کردیم که ناگهان باد

تندی وزید. باد ما را به این طرف و آن طرف برد. آنجا هوا خیلی سرد بود؛ باران شدید و روی

دریا باریدیم. خیلی از دوستانم روی کوه و جنگل و صحرا باریدند؛ بعضی از آن ها هم، همراه رودها

به دریا آمدند.»

خورشید گفت: «حالا چرا دلتان می خواهد دوباره به شکل ابر دربیایید؟»

قطره‌ی آب گفت: «چون دوست داریم در آسمان به این طرف و آن طرف برویم. در آنجا باران بشویم و بر زمین‌هایی که به آب نیاز دارند، بیاریم و گل‌ها و گیاهان تشنه را سیراب کنیم.»

خورشید لبخندی زد و گفت: «عزیزم، هیچ ناراحت نباش! من می‌توانم دوباره شما را به شکل ابر تشنگی در بیاورم.»

قطره با خوش حالی فریاد زد: «راست می‌گویی؟»

خورشید گفت: «بله!» بعد، گرما و نور خود را روی قطره‌های آب پاشید. آن‌ها کم‌کم گرم شدند، بعد هم آرام آرام بخار شدند و بالا رفتند و به شکل یک تکه ابر کوچک و تشنگ درآمدند. ابر کوچولو آن قدر بالا رفت که به خورشید نزدیک شد و صورتِ طلایی و تشنگِ خورشید را








## درست، نادرست

۱. خورشید قطره را در وسط جنگل دید.
۲. قطره دلش می خواست ابر بشود و بیارد.
۳. خورشید می توانست قطره ها را به شکل ابر درآورد.
۴. قطره ها کم کم گرم شدند؛ بعد هم آرام آرام بخار شدند.
۵. ....



## درست، نادرست

۱. خورشید قطره را در وسط جنگل دید. 
۲. قطره دلش می خواست ابر بشود و بیارد. 
۳. خورشید می توانست قطره ها را به شکل ابر درآورد. 
۴. قطره ها کم کم گرم شدند؛ بعد هم آرام آرام بخار شدند. 
۵. قطره، صورت قشنگ و طلایی خورشید را بوسید؟ 

## گوش کن و بگو



۱. خورشید چه دید؟
۲. چرا قطره‌ها دوست داشتند به شکل ابر دربیایند؟
۳. پایان داستان چه شد؟
۴. ....



۱. خورشید چه دید؟

۲. چرا قطره‌ها دوست داشتند به شکل ابر دربیایند؟

۳. پایان داستان چه شد؟

۴. **قطره، چگونه به ابر تبدیل شد؟** .....

۱. قطره آبی را دید که خیلی ناراحت است.

۲. که باد آن‌ها را به این طرف و آن طرف ببرد.

۳. قطره‌ها به شکل ابر درآمدند و آنقدر بالا رفتند که صورت خورشید را بوسید.

۴. به کمک گرمای خورشید بخار شد و در اثر سرما به ابر تبدیل شد.